

الزامات فرهنگی و جامعه‌شناختی نبرد ایرانی‌ها با کرونا

قهرمان است

آینده روشن است باید حس به وطن
خواهی تولید کنیم به‌همین دلیل باید
حس به زندگی تولید کنیم

بعد از مدتی مفهوم محله و مفهوم تعلق
داشتن به یک جا از بین رفت. وقتی این
تعلق از میان می‌رود تعلق به چیزهای
دیگر هم از بین می‌رود.



عزت‌الله سلبریتی/ایران

حذف و تخریب الگوهای مرجع
چه پیامدهایی داشت؟

کیانیان: وقتی کلمه سلبریتی به فحش تبدیل شد و آدم‌های مشهور آدم‌های منفور شدند، به تبع آن الان بلندگویی ندارند چون ظاهراً از مرجعیت افتاده‌اند و کسی به حرفشان گوش نمی‌کند. آزاد ارمکی: در یک دوره تاریخی سلبریتی‌ها خطرناک شدند و برای دفع خطر باید استهزا می‌شدند و در تقابل با چالش‌های غیبرواقعی قرار می‌گرفتند. برخی از سلبریتی‌های اصیل و فرهنگی از نقش‌آفرینی اجتماعی‌شان خارج شدند و عده‌ای هم به مقابله پرداختند. عجیب است با آدمی که سلبریتی شده و فالوئر بالایی دارد به‌گونه‌ای برخورد می‌شود که به مقابله برمی‌خیزد. سیاست‌های فرهنگی هم از همین جایی آسیب دید که ایدئولوژی پیدا کرد و فقط کسانی را قابل قبول داشتند که شبیه خودشان بود. خودی و غیرخودی ساختمان و بخش اعظم آدم‌ها شدند غیرخودی. اگر با سیاست‌های فرهنگی نظام سلبریتی معطوف به زیست مردم که از دل آن آرمان و آمال بیرون می‌آید را نظام‌دهی کرده بودیم، وضعیت بهتر از الان می‌بود که آنها را در مقابل‌مان قرار دهیم. واقعیت این است که جامعه ایرانی بیشتر از آنکه در طول رشد کند در عرض رشد کرده است. این اتفاق خوبی است یعنی این‌گونه نیست که یک جامعه هرمی داشته باشیم که یک نظر از بالا اعمال نظر کند و از پایین همه تبعیت کنند. جامعه‌ای است که گروه‌های اجتماعی‌اش همسانی سرمایه، سواد و دانش و اطلاعات و آرزو دارند. این یعنی یک جامعه متکثر و ما نمی‌توانیم چنین جامعه‌ای را با تک‌صدایی مدیریت کنیم. باید یک مدیریت صد صدایی باشد. همه احساس کنند که هستند. در عین حال استراتژی کلان هم سرچایش باشد.

کیانیان: الان ستاد مبارزه با کرونا چه کسانی هستند؟

ارمکی: جامعه‌شناس‌هایش چه کسانی هستند، هنرمندانش چه کسانی هستند؟

کیانیان: قاعداً باید رئیس این ستاد آقای رئیس جمهوری باشد با تمام اختیارات و باید جوری رفتار کنند که برای مردم سؤال

می‌کنند. این شکل گرفتن دوگانه سیاستمدار و شبه سیاستمدار و... جالب است. درباره سینما هم وضعیت همین‌طور است. الان با شبه هنرمندان روبه‌رو هستیم تا هنرمندان. در نتیجه آثار سینمایی تولید می‌شود که در آن نه فلسفه زندگی وجود دارد نه تولید آمال و آرزو و نه حس به وطن.

کیانیان: اگر حس به وطن خواهی تولید نمی‌کنیم به‌همین دلیل است که حس به زندگی تولید نمی‌کنیم. تا زمانی که من به خودم علاقه نداشته باشم و پرنده‌ها در فریدونکنار و از بین رفتن مهاجرت پرندگان برای من اهمیتی ندارد، وقتی خشک شدن دریاچه‌های ایران و سدسازی بی‌رویه برایم بی‌اهمیت است چطور می‌توانم اهمیت میهن و ملت را درک کنم. در قدیم می‌گفتیم ما بچه فلان محل هستیم چون فلانی و فلانی در محله ما زندگی می‌کنند، چون خانوادگی آنجا بودیم و ناموس ما در آن محله بزرگ شده است، از آن محله حمایت می‌کنیم اما بعد از مدتی مفهوم محله و ملت از بین می‌رود. اول تعلق به فرد و بعد تعلق به خانواده، تعلق به محله و شهر و کشور و میهن و... همه از بین می‌رود. برای اینکه ما به یک ایدئولوژی تعلق خاطر پیدا کرده‌ایم که مهم‌تر از کشور و محله است.

در سوگ هجمه‌ای نشسته‌ایم که وبا در تهران ایجاد کرد. تهرانی‌ها همچنان خمیده شده‌اند. این سوگ اگر بماند ما را گرفتار خواهد کرد کو این شادی و صدای زندگی!

درواقع اینجا به غیر از مردم و حاکمیت، بحث ما همین گروه‌های مرجع است. شما معتقد هستید که مردم کار خودشان را می‌کنند اما حاکمیت هم وظیفه دارد. باید برنامه‌های بلند مدت اعلام کند، توضیح بدهد که فلان هزینه را برای فلان مشکل تخصیص داده است، حمایت خواهد کرد که همه مردم دوباره روی پای خودشان بایستند. به گفته شما حاکمیت غایب است اما سؤال ما این است که الگوهای مرجع کجا هستند؟ آنها هم غایبند. درست‌تر این است که ما به مردم نگاه کنیم. مردم کار خودشان را می‌کنند. اما آیا نهادها هم کار خودشان را می‌کنند؟ ما از کجا باید بفهمیم کار خودش را می‌کند یا نه؟ به من می‌گوید در خانه بنشین می‌گویم چشم ولی نمی‌دانم فردا که کرونا تمام شد و من از خانه بیرون آمدم چه خواهد شد؟ برخی کارشان روزمره است. امروز اگر سوار موتورش شد و چرخ‌ی در شهر زد پولش را در می‌آورد. امروز اگر بساط کرد مخارج روزانه‌اش را تأمین می‌کند. اما اگر امروز کار نکند، پولی ندارد. از کجا بخورد؟

آزاد ارمکی: دولت نماینده اینجا خودش را نشان می‌دهد. دولت نماینده‌ای که مبتنی بر نظام دموکرات است باید لحظه به لحظه گزارش بدهد و مسئولیت فردا را بپذیرد. خیلی ساده است، ساده پرهزینه، سرمایه‌دارهای ما غایبند، کارخانه‌دارهای ما غایبند. مرد بزرگی گرایه دو ماه مغازه‌اش را در این شرایط بخشیده است. دست این مرد را باید بوسید. او را باید وزیر مسکن کرد! کجا هستند

حول و حوش کرونا در ایران را رسانه‌های ضدحکومتی و فضای مجازی بی‌اعتنا به واقعیت‌های اجتماعی می‌سازند. بحث را برده‌ایم به دعوای انتزاعی و کسی حواسش نیست در واقعیت چه اتفاقی می‌افتد. رسانه صداوسیما کارش شده اینکه به فلان رسانه خارجی پاسخ بدهد. مقصودم این نیست که ترس و هراس ایجاد کنیم بلکه بگویم چه اتفاقی دارد می‌افتد. ما سرود کرونایی برای مردگان کرونایی لازم داریم. مردمانی که این روزها مظلومانه از زندگی خداحافظی می‌کنند گویی که آوار روی سرشان ویران شده. این مظلومیت باید به ادبیات و شعر و سینما راه پیدا کند. کیانیان: مردم کار خودشان را می‌کنند. اما آیا نهادها هم کار خودشان را می‌کنند؟ ما از کجا باید بفهمیم کار خودش را می‌کند یا نه؟ به من می‌گوید در خانه بنشین می‌گویم چشم ولی نمی‌دانم فردا که کرونا تمام شد و من از خانه بیرون آمدم چه خواهد شد؟ برخی کارشان روزمره است. امروز اگر سوار موتورش شد و چرخ‌ی در شهر زد پولش را در می‌آورد. امروز اگر بساط کرد مخارج روزانه‌اش را تأمین می‌کند. اما اگر امروز کار نکند، پولی ندارد. از کجا بخورد؟

آزاد ارمکی: دولت نماینده اینجا خودش را نشان می‌دهد. دولت نماینده‌ای که مبتنی بر نظام دموکرات است باید لحظه به لحظه گزارش بدهد و مسئولیت فردا را بپذیرد. خیلی ساده است، ساده پرهزینه، سرمایه‌دارهای ما غایبند، کارخانه‌دارهای ما غایبند. مرد بزرگی گرایه دو ماه مغازه‌اش را در این شرایط بخشیده است. دست این مرد را باید بوسید. او را باید وزیر مسکن کرد! کجا هستند

کیانیان: از همان دوره آقای احمدی‌نژاد سلبریتی ستیزی شروع شد چون از همان دوران اختلاس‌ها نمودار شد.

آزاد ارمکی: سلبریتی و دانشگاهی و روشنفکر، همه برای همین کشور هستیم. خروج از بحران اجتماعی موجود جز با آشتی ملی امکان‌پذیر نیست. باید آشتی ملی اعلام کنیم، باید همدیگر را بپذیریم و بعد بر اساس یک دموکراسی معین، شخصیت‌های مهم کشور کمک کنند تا شیوه‌های حیات اجتماعی را سامان بدهیم. حق همه ماست که هوای خوب داشته باشیم، آب خوب بنوشیم، هنرپیشه خوب داشته باشیم. من هنرپیشه‌ای می‌خواهم که یک عمر با او زیست کنم و به او دل ببندم نه هنرپیشه‌ای که بعد از دو روز حذف شود.

کیانیان: این راه حل را باید شما به‌عنوان استاد علوم انسانی بدهید و آنها گوش کنند. ما هم به‌عنوان هنرمند باید آن را به شکلی مطرح کنیم که زیبا، شدنی و عملی باشد تا بتوانیم به آینده‌ای که مد نظرمان است برسیم.

آقای کیانیان از جای خالی رؤیا، زندگی و قهرمان در سینما صحبت کردند که جای خالی آن در جامعه هم احساس می‌شود. از میان این سه آنچه امروز بیش از گذشته نیاز آن احساس می‌شود جای خالی قهرمان است. قهرمانی که البته در یک روند طبیعی و اجتماعی در جامعه شکل گرفته است نه قهرمان‌های تحمیل شده. فعالیت‌های این روزهای نیم پزشکی از آنها حکم قهرمان را برای جامعه ساخته و از همین قهرمان‌هاست که جامعه امید می‌گیرد. آیا می‌شود با قهرمان‌پردازی امید را به جامعه برگرداند؟

آزاد ارمکی: خیلی وقت است که از فقدان سرمایه‌های اجتماعی حرف می‌زنیم. طلب می‌کنیم که ما اعتماد می‌خواهیم، می‌خواهیم به کسی اعتماد کنیم، اجازه بدهید ما اعتماد کنیم. مثل جوانی که می‌خواهد عاشقی کند، مهم هم نیست که عاشق چه شکل و شمایل‌ی شود. دلش می‌خواهد در عشق زندگی کند. بیچاره جامعه ایرانی فغان می‌کشد که من می‌خواهم به یک نفر اعتماد کنم. مثل آن جوانی که می‌خواهد عاشق شود و باید کسی در مقابلش قرار بگیرد (البته مقصود من این نیست که کسی بگوید من قهرمانم. قهرمان باید پدرومادرت که همین جاست. نباید تلاشی برای مردم شورت بکنی؟ سلبریتی‌ها می‌توانند همین دعوت‌های عمومی را داشته باشند و کمک کنند تا از این ساخت راحت‌تر عبور کنیم.

کیانیان: قبل از انقلاب آقای تختی در کوچه و خیابان و بازار راه افتاد و برای زلزله‌زدگان بنوین زهرا پول جمع کرد. بعد از انقلاب آقای انتظامی و برخی دیگر هم همین کار را کردند اما حسابشان را بستند و با آن‌ها برخورد کردند که این پول را برای چه کسی جمع می‌کنی؟ با خیلی از سلبریتی‌ها در موقعیت مشابه همین کار را کردند. چند تا از دوستان آرشیکت من تصمیم گرفتند پول جمع کنند و به سیل‌زده‌ها کمک کنند.

آزاد ارمکی: سلبریتی‌ها نقش میانجی و واسط دارند و می‌توانند عامل تحول اجتماعی باشند. سلبریتی‌ای که به میدان بیاید خودش هم از ساخت رادیکال بودن خارج می‌شود. وقتی حضور اجتماعی را از او می‌گیری شروع می‌کند به انتشار پست‌های عجیب و غریب. به جای رادیکال ساختن این چهره‌ها به آنها تعهد اجتماعی بدهیم تا مؤثر و مدنی شوند. من نمی‌دانم ترس از سلبریتی‌ها از کجا آمد.

کیانیان: پزشکان و پرستاران ما واقعه قهرمان هستند و در هر مقطعی ما از این قهرمان‌ها داشتیم. مگر در حادثه پلاسکو آتش‌نشانان در حد قهرمان ظاهر نشدند، در مقطع زلزله هم نیروهای امدادی ما قهرمان شدند. مملکت ما پر از قهرمان است. در هر زمینه‌ای پر از قهرمان است. اما قهرمانی‌شان فقط برای لحظه بحران است. بعدش دیگر قهرمان نیستند.



“

به من می‌گوید
در خانه بنشین
می‌گویم چشم ولی
نمی‌دانم فردا که
کرونا تمام شد و
من از خانه بیرون
آمدم چه خواهد
شد. برخی کارشان
روزمره است. امروز
اگر سوار موتورش
شد و چرخ‌ی در
شهر زد پولش را در
می‌آورد. امروز اگر
بساط کرد مخارج
روزانه‌اش را تأمین
می‌کند. اما اگر امروز
کار نکند، پولی ندارد.
از کجا بخورد؟